فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره شانزدهم (پاییز ۱۴۰۲)

بررسی روش تدریس ایفای نقش و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی

(تاریخ ارسال ۱۴۰۲/۰۸/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۰۹/۲۰)

فاطمــه مــرادی

رشته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید صدوقی، شهر کرمانشاه، ایران

چکیده

روش‌های تدریس مبتنی بر تعامل فعالیت‌هایی هستند سنجیده و منظم درباره موضوع یا مسئله ای خاص، در فضای کاملا اجتماعی و آزاد از نظر بیان اندیشه و تصمیم گیری. الگوی تدریس چهارچوب ویژه ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل می‌تواند بر بهبود و پیشرفت معلم در امر تدریس موثر باشد. در روش ایفای نقش معلم، دانش‌آموزان براساس علایق خویش، نقش‌های مورد نظر را انتخاب می‌کنند و با نظارت معلم و همکاری همکلاسان، به ایفای نقش می‌پردازند. از این طریق، آموزش قوانین و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بهتر انجام می‌شود و به یادگیری موثر می‌انجامد، زیرا دانش‌آموزان ضمن شناخت هنجارهای اجتماعی، به تحلیل آنها می‌پردازند و نگرش خود را تثبیت می‌کنند و نوعی ارتباط عاطفی و انسانی با دیگران برقرار می‌سازند ایفای نقش به مثابه یک روش تدریس ریشه در دو بعد شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان براساس علایق خویش، نقش‌های مورد نظر را انتخاب می‌کنند ایفای نقش، زمینه ای جهت برقراری یک ارتباط سازنده و صحیح با اطرافیان می‌گردد که خود حس کارآمدی را ارتقا خواهد بخشید در این مقاله سعی شده است به بررسی این روش تدریس و سنجش آن بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته شود. این روش موجب رشد همدلی با دیگران و بررسی مسایل و واقعیت‌ها و از ارزش‌های اجتماعی در عمل است و افتتاح باب گفتگو درباره ارزش‌ها و چگونگی اثر آنها در زندگی روزانه است.

واژگان کلیدی: تدریس، نقش، ایفای نقش، پیشرفت تحصیلی

بخش اول: کلیات و بررسی اولیه موضوع با مداقه در ابعاد آموزشی بحث

انتخاب یک روش آموزشی مناسب یکی از مهم‌ترین اقدامات در جریان طراحی آموزشی است، روش آموزشی باید متناسب با هدف و مقصود باشد، یعنی بیان کننده و اثر گذارنده آن چیزی باشد که قرار است، یادگرفته شود. نحوه انجام تدریس بسیاری بر توانایی‌های شاگردان رای آموزش به خود می‌گذارد. هر فرد برای ارتباط با دیگران در موقعیت‌های مختلف، روشی منحصر به خود دارد بعضی از افراد رفتار مودبانه مهربان و صمیمی دارند، برعکس، رفتار گروهی دیگر ممکن است پرخاشگرانه و خصمانه باشد. برخی احساس میکنند که اکثر مردم حقه باز و غیرقابل اطمینان اند، در حالی که برخی دیگر از مردم را درستکار و قابل اعتماد میدانند افراد نسبت به خود نیز نگرش یکسانی ندارند، برخی خود را باهوش و قوی و بعضی دیگر خود را ترسو، کم هوش و ناتوان تصور میکنند چنین برداشتی از خود و دیگران موقعیت‌ها و خود بررفتار و نحوه تصمیم گیری آنان در موقعیت‌های مختلف اثر گذار است. به واکنشی که افراد نسبت به دیگران نشان میدهند نقش گفته میشود در واقع نقش زنجیره ای از احساسات، حرفها و اعمال یک فرد است که به صورت یک الگوی خاص تبلور پیدا میکند نقش یک روش خاص و همیشگی در ارتباط با دیگران است. عوامل متعددی در ایجاد و تثبیت نقش موثرند مثلا شخصیت افرادی که فرد با آنان در تعامل است، چگونگی رفتار آنان با فرد و چگونگی درک افراد از احساسات خود نسبت به دیگران برنگرش فرد نسبت به خود تأثیر می‌گذارد، قواعد اجتماعی، فرهنگی نیز تاثیر عمیقی در نقش افراد دارند و نحوه نقض بازی کردن آنان را معین می‌سازند.

افراد ممکن است از نقشی که بازی میکنند خوشحال یا ناراضی باشند. رضایت یا عدم رضایت افراد از نقش به نوع تجربه و میزان آگاهی آنها از نقش بستگی دارد. آگاهی از مفهوم نقش در فرآیند آموزش یک هدف اصلی است. معلمان باید به دانش‌آموزان در شناخت نقش‌های متفاوت و تفکر درباره رفتارهای خود و دیگران در قالب نقش‌های مختلف کمک کنند.

ایجاد یک فضای تعاملی با نقش‌های مختلف و تجزیه و تحلیل عملکردها در نقشهای مختلف میتواند زمینه تقویت نقش دانش‌آموزان را در زندگی واقعی فراهم سازد. روش ایفای نقش به عنوان یک روش تدریس ریشه در ابعاد فردی و اجتماعی آموزش و پرورش دارد. هدف در این روش این است که دانش‌آموزان به مفهوم فرد در درون اجتماع پی ببرند و بتوانند تعارض‌های فردی خود را به کمک گروه‌های اجتماعی حل کنند از بعد اجتماعی، ایفای نقش به دانش‌آموزان کمک میکند موقعیت‌های اجتماعی و مسائل خاص بین فردی را تحلیل کنند روش ایفای نقش فرصتهای منحصر به فردی را برای حل مسائل میان فردی و اجتماعی در اختیار دانش‌آموزان قرار میدهد. در واقع ایفای نقش را میتوان تجسم عینی مسائل و موضوع‌هایی دانست که دستیابی به آنها از طریق دیگر کمتر امکان پذیر خواهد بود. در چنین روشی گروهی از دانش‌آموزان بازیگران نقش و کارگروهی دیگر بینندگان نقش اند، و در نهایت همه آنها تحلیل گران نقشهای مختلف خواهند بود. در روش ایفای نقش فرد خود را به جای دیگران قرار میدهد و می‌کوشد با دیگران که آنها نیز نقش‌های متفاوتی دارند به تعامل بپردازند. از آنجا که همدلی، تفاهم، کدورت، محبت و صمیمیت همگی در طول تعامل به وجود می‌آیند. اگر نقش مورد نظر به خوبی ایفا میشود، بخشی از زندگی دانش‌آموزان خواهد شد. محتوای عاطفی، صحبت‌ها و اعمالی که در طول ایفای نقش مطرح میشوند بخشی از تحلیل‌های بعدی دانش‌آموزان خواهند بود علاوه بر ایفاگران نقش بینندگان نقش‌ها در فرآیند ایفای نقش، درگیر اعمال و احساسات نقش‌های مختلف میشوند و به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازند اصولاً درگیر ساختن دانش‌آموزان چه آنهایی که نقش بازی می‌کنند و چه آنهایی که نقش بازی نمی‌کنند جز ماهیت این روش است. فرآیند نقش بازی کردن نمونه‌ای زنده از رفتار انسان است و به عنوان وسیله‌ای در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا:

۱. احساسات خود را بررسی و ارزیابی کنند.

۲. به نگرش‌ها ارزش‌ها و ادراکات خود آگاه شوند.

۳. نگرش‌ها و مهارت‌های حل مسئله خود را کاهش دهند.

۴. با روش‌های مختلف به کاوش مفاهیم دروس بپردازند.

در روش ایفای نقش این امکان وجود دارد که قیاس‌های اصیلی برای موقعیت‌های مسئله‌دار در زندگی واقعی خلق شوند از طریق این بازآفرینی‌ها دانش‌آموزان خط مشی زندگی خود را مشخص یا انتخاب کنند روش ایفای نقش می‌تواند به بروز احساسات آشنا نماید و در ضمن موجب رهایی آنها گردد این پالایش یا رهاسازی زمانی ارزش دارد که از این روش در زمینه‌های درمانی و برای تغییر نوعی رفتار استفاده شود فرآیندهای ناآشکار روان شناختی که در بردارنده نگرش‌ها، ارزش‌ها و نظام‌های عقیدتی افراد است می‌توان از طریق ایفای نقش و تحلیل آنها به سطح هوشیاری رساند اگر افراد ارزش‌ها و نگرش‌های خود را بشناسند و آنها را با عقاید دیگران بسنجند. می‌توانند تا اندازه‌ای نظام اعتقادی خود را کنترل کنند این عمل به نقش بازی کردن روانی مشهور است در نقش بازی کردن روانی، برخوردهای رفتاری و هیجانی ایفای نقش از فعالیت‌های اساسی هستند که باید آنها را تجزیه و تحلیل کرد. چنین تحلیلی میتواند به افراد در ارزشیابی نگرش‌ها و ارزش‌ها و نتایج عقایدشان کمک کند تا در صورت لزوم بتواند آنها را بازنگری و بازسازی کنند. معلمان موفق تنها ارائه دهندگان فرهمند و متقاعدگر نیستند بلکه آنان، شاگردان خود را به تکالیف ساده شناختی و اجتماعی وارد کرده و به آنان نحوه استفاده مؤثر از آنها را یاد می‌دهند، ایفای نقش، روشی است که می‌تواند برای تجسم عینی موضوعات و درسهایی که برای نمایش مناسب باشند، به کار رود. در این روش، فرد یا افرادی از دانش‌آموزان، موضوعی را به صورت نمایش کوتاه اجرا میکنند. ایفای نقش، به معنایی که در اینجا به کار می‌رود، به مهارت‌های خاص هنری مثل بازیگری در تئاتر و سینما نیازی ندارد، بلکه معلم بنا به موقعیت، هدف و موضوع مورد نظر، به عنوان یک روش از آن استفاده میکند تا موجب تکوین شخصیت فردی و اجتماعی فراگیران گردد. اگر دانش‌آموزان مهارت‌های زندگی کردن را کسب کنند، در تمام شئون زندگی با موفقیت بیشتری زندگی می‌کنند. در این روش، دانش‌آموزان براساس علایق خویش، نقش‌های مورد نظر را انتخاب می‌کنند و با نظارت معلم و همکاری

همکلاسان، به ایفای نقش می‌پردازند. از این طریق، آموزش قوانین و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بهتر انجام می‌شود و به یادگیری موثر و کارآمد می‌انجامد، زیرا دانش‌آموزان ضمن شناخت هنجارهای اجتماعی، به تحلیل آنها می‌پردازند و در حین ایفای نقش، نگرش خود را تثبیت می‌کنند و نوعی ارتباط عاطفی و انسانی با دیگران برقرار می‌سازند الگوی ایفای نقش از آن جهت که شاگردان را برای فهم رفتار اجتماعی نقش خود در تعامل اجتماعی و راههای مؤثرتر حل مسائل هدایت میکند. این الگو را به ویژه برای کمک به شاگردان در بررسی ارزش‌های اجتماعی خود و تفکر آنها تدوین کرده اند. همچنین ایفای نقش به شاگردان در گردآوری و سازمان دهی اطلاعات درباره مسائل اجتماعی، رشد همدلی با دیگران و تلاش برای بهبود مهارت‌های اجتماعی آنان کمک می‌کند. این الگو علاوه بر این از دانش‌آموزان میخواهد تا به شکل نمایشی تعارضات درونی خود را بیرون بریزند، یاد بگیرند خود را در نقش دیگری قرار بدهند و مشاهده‌گر رفتار اجتماعی باشند. الگوی ایفای نقش یکی از الگوهای خانواده‌ی اجتماعی می‌باشد. این الگو را می‌توان برای تجسم عینی موضوعات و درس‌هایی که برای نمایشنامه مناسب هستند، به کار گرفت. در این روش فرد یا افرادی از شاگردان موضوعی را به صورت نمایشنامه اجرا می‌کند. از ویژگی‌های ممتاز روش اجرای نقش این است که مشاهده کنندگان با عملیات نمایشی و ایفاگران نقش ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند و با هیجان مراحل نمایش را می‌بینند و خود را در صحنه احساس می‌کنند. چون تمرکز حواس و ارتباط عاطفی در این روش بسیار زیاد است، یادگیری بهتر و مؤثرتر انجام می‌گیرد از اثرات این روش می‌توان به تحلیل رفتار فردی و ارزش ها؛ ایجاد ره‌یافت‌هایی برای حل مسائل بین فردی و فردی و رشد و همدلی نسبت به دیگران اشاره کرد. ایفای نقش، زمینه ای جهت برقراری یک ارتباط سازنده و صحیح با اطرافیان می‌گردد که خود حس کارآمدی را ارتقا خواهد بخشید. از بین عوامل تأثیرگذار اشاره شده در روش ایفای نقش، عامل مهم دیگری از جمله خودکارآمدی؛ نقش مؤثری دارد که تا حدودی مربوط به نظامی از باورهای فرد می‌شود و از جمله دیدگاه‌ها در این زمینه دیدگاه شناختی- اجتماعی است. در دیدگاه شناختی- اجتماعی خود سازوکارهایی تأثیرگذار را بررسی کرده که نقش بنیادی در انجام تکلیف دارند. وی در میان سازوکارهایی تأثیرگذار هیچ کدام را در

کنترل کارکرد، پر نفوذتر از خودکارآمدی و باورهای افراد از توانایی نمیداند کسانی که خودکارآمدی بالایی دارند، هدف‌های چالش برانگیزتر و بالاتری را بر می‌گزینند، به خود بیشتر باور دارند، کوشش و پافشاری بیشتری نشان می‌دهند و یاد سپاریشان بهتر است. باورهای خودکارآمدی در جنبه‌های گوناگون زندگی ما نقش دارند. در محیط تحصیلی، خودکارامدی نشان دهنده باور دانش آموز درباره توانایی انجام تکالیف درسی محوله است همچنین خودکارآمدی بر فرآیند یادگیری از جنبه‌هایی چون گزینش اهداف، تصمیم‌گیری، میزان تلاش و کوشش، پشتکار و استمرار در تکالیف تأثیرگذار است.

بخش دوم: بررسی و شناخت مراحل اجرای ایفای نقش

ایفای نقش به عنوان یک روش موثر در آموزش بستگی به انسجام و کیفیت اجرای آن دارد دانش‌آموزان وقتی اولین بار سعی در اجرای این روش دارند ناگزیر به طور موثر درگیر ایفای نقش یا تحلیل آن نمی‌شوند آنان برای مشارکت فعال و موثر آمادگی نیاز دارند تمرینات پانتومیم برای آمادگی دانش‌آموزان بی‌تجربه بسیار موثر است.

برای اجرای این روش معمولاً این افراد شرکت می‌کنند:

۱. **معلم یا مسئول اجرا**: معلم، برنامه‌ریز و مدیر اجرایی عملیات و برنامه نمایش و در حقیقت کارگردان نمایش است.

۲. **ایفاگران نقش**: دانش‌آموزانی هستند که به طور داوطلب یا انتخابی در برنامه شرکت می‌کنند. این افراد الزاماً نیازی به داشتن تجربه و ذوق هنری در زمینه نمایش ندارند.

۳. **مشاهده کنندگان (سایر دانش‌آموزان)**: سایر دانش‌آموزان جزء مشاهده کنندگان هستند و در جریان یا پایان نمایش اظهار نظر و یا سؤال کنند.

اگر معلم فقط یک واقعیت مسئله‌دار را ارائه کند و چند تن از دانش‌آموزان را متقاعد سازد که به ایفای نقش آن پرداخته سپس آن را تحلیل کنند یقیناً موفق نخواهد شد در اجرای این روش مراحل زیر باید با ظرافت طراحی و اجرا گردد:

مرحله اول: *تعیین موضوع و طرح مسئله*

در این مرحله معلم باید مسئله مورد نظر را به گونه ای ارائه دهد که دانش‌آموزان به پذیرش آن رغبت پیدا کنند. دانش‌آموزان باید دریابند که تمام احساسات، عقاید و رفتارها را میتوان در درون چنین مسئله‌ای بررسی کرد. مسئله باید به صورت روشن و واضح بیان شود برای این کار می‌توان از مثال‌ها و توصیف دانش‌آموزان درباره یک موقعیت خیالی یا واقعی موقعیتی که معلم انتخاب می‌کند و یا از فیلم و داستان‌های کوتاه مسئله دار استفاده کرد حوادثی که دانش‌آموزان در زندگی خود تجربه کرده‌اند یا گروه به طور جمعی تجربه کرده است هر چند از نظر عاطفی و عینی بودن بسیار مفیدند به علت وجود فشار روانی ممکن است تحلیل آن‌ها بسیار دشوار باشد داستان‌های کوتاه مسئله داری که به توصیف صحنه، شرایط، فعالیت‌ها و مکالمات موجود در یک موقعیت می‌پردازند علاوه بر مهیج بودن، نقش بازی کردن را در ابتدای کار آسان می‌سازند.

مرحله دوم: *انتخاب ایفاگران نقش و تعیین نقش آنها*

در این مرحله معلم و دانش‌آموزان شخصیت‌های مختلف نمایش را با طرح سوال‌هایی مانند آنها شبیه چه کسانی هستند چه احساسی دارند چه کار خواهند کرد؟ بررسی می‌کنند و به توصیف ویژگی‌های آنها می‌پردازند سپس معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا داوطلب نقش بازی کردن شوند.

مرحله سوم: *فراهم کردن امکانات و پردازش صحنه*

در این مرحله معلم باید وسایل و امکانات لازم را فراهم کند و بازیگران نقش نیز صحنه را طراحی کنند آنان فقط طرح ساده‌ای از صحنه و شاید خط مشی‌های رفتاری بازیگران نقش را ترسیم می‌کنند.

مرحله چهارم: *آماده کردن دانش‌آموزان برای مشاهده*

مشاهده گران باید به صورت فعال درگیر نمایش شوند تا بتوانند آن را تحلیل کنند معلمان باید برای مشاهده کنندگان وظایفی را تعیین کنند وظایفی مانند ارزشیابی نقش‌های اجرا شده و نزدیکی آنها با واقعیت‌های موجود تفسیر میزان اثربخشی پیامدهای رفتار ایفاگران نقش‌ها و تعریف احساسات و طرز فکر افرادی که مشاهده می‌شوند.

مرحله پنجم: *اجرای نمایش*

در این مرحله بازیگران نقش‌هایی را به عهده گرفته به طور طبیعی در آن موقعیت زندگی می‌کنند و به طور واقع بینانه‌ای به یکدیگر پاسخ می‌دهند انتظار نمی‌رود که هر بازیگری بتواند یک نمایش روان و بدون مسئله اجرا کند و یا بداند که همیشه چگونه باید پاسخ دهد.

مرحله ششم: *بحث و ارزشیابی نمایش*

اگر مسئله مورد نظر مهم باشد و ایفاگران نقش و مشاهده کنندگان نیز به طور موثر درگیر نمایش شده باشند بحث به صورت خودجوش آغاز خواهد شد ابتدا ممکن است بحث‌ها بیشتر شامل تفاسیر مختلف از نمایش و عدم توافق در اجرای نقش‌ها باشد اما نتیجه نمایش و انگیزه‌های بازیگران مهم ترین مسئله است.

مرحله هفتم: *اجرای مجدد نمایش*

در این مرحله نمایش چندین بار تکرار شود و دانش‌آموزان می‌توانند تفسیر جدیدی از نقش‌ها ارائه دهند و درباره آن تصمیم بگیرند.

مرحله هشتم: *بحث و ارزشیابی مجدد*

در این مرحله معلم و دانش‌آموزان نمایش مجدد و دلیل پذیرش یا رد آن را ارزیابی می‌کنند ا ممکن است راه حل‌ها را بپذیرند در این مرحله معلم از دانش‌آموزان می‌پرسد که

آیا ممکن است چنین پایانی اتفاق بیفتد آنها تلاش می‌کنند که به راه حل‌های مبتنی بر واقعیت دست یابند.

مرحله نهم: *تفسیر تجارب و تعمیم آنها*

هرگز نباید انتظار داشت که فورا تعمیم‌هایی درباره نتایج به دست آمده صورت گیرد تعمیم نیاز به تجربه‌های زیادی دارد در هر حال معلم باید بحث‌ها را به گونه‌ای ارائه و هدایت کند که ایفاگران نقش پس از کسب تجاری طولانی بتوانند رویکردهای مختلف موقعیت مسئله دار و پیامدهای آن را تعمیم دهند.

بخش سوم: بررسی و شناخت مزایای ایفای نقش

۱. **ایجاد شور و شوق و انگیزه درونی در فراگیرندگان**: در آنجا که دانش‌آموزان خود نقشهای مورد نظر را انتخاب میکنند و بر اساس وظایف محوله به ایفای نقش میپردازند، شور و شوق فراوانی برای انجام دادن آن از خودانشان میدهند. تدریس به این روش به یک صحنه تفریحی تبدیل میشود و طراوت ذهنی خاصی بین بازیگران و مشاهده کنندگان ایجاد میشود که در یادگیری بسیار موثر و با اهمیت است.

۲. **مشارکت و فعالیت دانش‌آموزان**: امروزه یکی از اصول مهم در یاددهی – یادگیری، موضوع فعال بودن فراگیرندگان است. یادگیری ارتباطی دوطرفه و تعاملی است و بدیهی است که اگر یادگیرندگان منفعل باشند، امکان یادگیری به وجود نخواهد آمد. در این روش، همه افراد نقش دارند و باید در موعد مقرر نقش خود را ایفا کنند و سپس به صورت فعال در جریان آموزش به فعالیت بپردازند.

۳. **کاهش کمرویی و خجالت دانش‌آموزان**: یکی از معضلات دانش‌آموزان و حتی بزرگسالان، کمرویی یا خجالتی بودن است. این خصیصه سبب گوشه گیر شدن افراد میشود و آنان، موقعیتهای اجتماعی مطلوب را از دست میدهند. الگوی ایفای نقش به گونه بسیار

موفقیت آمیزی روحیه تعاملی را در دانش‌آموزان تقویت میکند و آنان را اجتماعی بار می‌آورد.

۴. **افزایش مهارتهای روانی – حرکتی فراگیرندگان**: یکی از محورهای آموزش، تقویت مهارتهای فیزیکی دانش‌آموزان است و در بعضی درسها هدف اصلی، رشد این مهارتهاست. در این زمینه، بهترین الگوی ایفای نقش است، زیرا یک صحنه نمایش وجود دارد و افراد مجری باید به نحو مطلوب و با آمادگی، روی صحنه به ایفای نقش بپردازند. همین تمرین های موردی به تدریج موجب تقویت عضلات و هماهنگی بیشتر اعضا میگردد. در نتیجه ارتباط مفیدی بین روان و حرکت به وجود می‌آید.

۵. **کسب نگرشهای جدید و قبول ارزشهای اجتماعی**: یکی از رویکردها و اهداف اصلی آموزش و پرورش، ایجاد نگرش مطلوب در طرز تفکر دانش‌آموزان است و انتظار میرود که ضمن کسب مهارتهای ذهنی، عواطف، نگرشها و احساسات آنان نیز تقویت شود و باور و اعتقادشان در خصوص موضوع افزایش یابد. در الگوی ایفای نقش، بازیگران در حین انجام دادن امور محوله، از عملکرد اندامهای حسی خویش متأثر میشوند و آگاهانه، در مقام دفاع از رفتارهای نمایشی خود بر می‌آیند. این اقدام از نظر آموزش و پرورش اهمیت ویژه ای دارد.

۶. **تقویت قدرت مدیریت و سازماندهی افراد**: مدیریت و برنامه ریزی یکی از مهارتهای اساسی در آموزش و پرورش است و انتظار میرود فراگیرندگان در عرصه اجتماعی، مدیر موفق و برنامه ریز لایقی بشوند. در الگوی ایفای نقش، همه امکانات، تمهیدات و برنامه‌ها از طریق یکایک دانش‌آموزان فراهم می‌آید و حتی سازمان دهی و گزینش نقشها با راهنمایی معلم و به وسیله خود دانش‌آموزان صورت میگیرد. این امر باعث میشود که آنان جریانها و فعالیتها را به خوبی برنامه ریزی و بر آنها مدیریت کنند.

بخش چهارم: نگاهی تیتروار و اجمالی درخصوص محدودیت‌های ایفای نقش

- برای تحقق اهداف پیچیده آموزشی مناسب نیست.
- این روش چون در ظاهر جنبه نمایشی و هنری دارد یک روش آموزشی جدی تلقی نمی شود.
- روش ایفای نقش به اجرای درست، صرف وقت کافی و تهیه تدارک نیاز دارد و انجام آن وقت گیر است.

نتیجه گیری

الگوی ایفای نقش به عنوان یک الگوی تدریس، سعی آن بر کمک به افراد برای یافتن معنای خود درون جهان اجتماعی و استعانت از گروه اجتماعی برای اتخاذ تصمیم در حل دو راهی‌های بغرنج است که در راستای اجرای این روش و تاثیری که بر روی خودکار آمدی دارد ایفای نقش یک استراتژی آموزشی است که به پایه‌های سازنده و معنادار خلاقیت بر اساس تجربیات شخصی مربوط می‌شود. این روش، یک روش خلاق است که فایده‌های شناختی به همراه دارد و هدفش ایجاد آگاهی جدید و علاقه به موضوع و یادگیری بیشتر در دانش‌آموزان است. ایفای نقش یک نقش استراتژی است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد که فعالانه تر در یادگیری اعضای بدن و عملکردشان درگیر شوند. ایفای نقش به دانش‌آموزان در بهره بردن از قوه استدلال، انگیزه بخشیدن به یادگیری، بهبود ارتباط، همکاری، مهارت‌های تفکر انتقادی و لذت بردن از یادگیری کمک می‌کند. فعالیت ایفای نقش به دانش‌آموزان انگیزه می‌بخشد تا در یادگیری عمیق درگیر شوند که نتیجه آن درک معنا دار مواد درسی و محتوا است.

- **تشکر و قدردانی**

به این وسیله مراتب سپاس خود را از تلاش و زحمات ارزشمند و صادقانه استاد عزیزم سرکار خانم دکتر شهلا رضایی در زمینه پیشبرد اهداف در به پایان رساندن این مقاله تقدیم می دارم. از درگاه ایزد منان دوام عزت وسلامت، تداوم حضور و تاثیر آن بزرگوار را در مجموعه مسئلت دارم.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. بابائی، سهیل؛ حسینی، زهرا؛ بابائی، پیمان؛ اثر الگوی تدریس ایفای نقش بر خودکارآمدی دانش‌آموزان؛ کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی؛ ۱۳۹۵؛ دوره ۳.

۲. دهدار، مجتبی، جمشید زهی، عبدالرضا؛ تأثیر روش تدریس مشارکتی و روش ایفای نقش بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر ایرانشهر؛ نشریه علمی تخصصی شباک؛ سال پنجم شماره ۵۰؛ بهمن ۱۳۹۸.

۳. شعبانی، حسن؛ مهارت‌های آموزشی و پرورشی؛ سمت؛ ۱۳۹۰.

۴. میردریکوند، فیروز؛ حاجی حسین نژاد، غلامرضا؛ علی‌عسکری، مجید؛ ادیب‌منش، مرزبان؛ بررسی تاثیر روش تدریس فعال بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس علوم پایه سوم راهنمایی شهر اندیمشک؛ پژوهش در برنامه ریزی درسی؛ سال دوازدهم؛ دوره دوم؛ زمستان ۱۳۹۴.

۵. یاوری، اکرم؛ بررسی اهمیت روش تدریس ایفای نقش در مقطع ابتدایی؛ پنجمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره؛ ۱۴۰۲.